

# پیکار خلق

بهاء ۱۰ آریال

گروه انقلابون مارکسیست - لنینیست

## فاشیسم در مبارزات ضد امپریالیستی اخلال میکنند

نفرت و نزاجا ربح خلق های مبارز میهنیان از سانس دشمنان امپریالیسم آمریکا و عملان در روزهای سوم و چهارم خرداد ماه موج وسیعی به خود گرفت و گسترده تر از هر زمان ملت مبارزان با شعارهائی چون "مرگ بر آمریکا"، "بیروزی نهائی اخراج آمریکائی"، "فدا طعیت انقلاب بی مرقا بل جنا پیتکاران مورد تأیید ماست"، "اعدام انقلابی جواب صدخلق است"، "مستشار خارجی اخراج با بدرگردد صنایع وابسته ملی باید گردد"، "بار دیگر تداوم انقلاب را در جهت نابودی بقایای ارتجاع و وابسته به امپریالیسم خواستار شد". اعتراضات و تظاهرات گسترده مردم تهران که پاسخ دندان شکنی به یاه سرانیهائی سنای آمریکا بود از روز پنجشنبه سوم خرداد ماه در تهران شروع و در روز جمعه اعتلای نویسی یاقت - بیش از صد هزار نفری که در جلوی دانشگاه تهران گرد آمده بودند با خواستهای ادا ما انقلابی و محکوم نمودن دخالت های بیشتر ما به سنای آمریکا، نابودی تمام آنها، اقتصاد ملی، و فرهنگ امپریالیسم در ایران، بیست سفارت آمریکا با شعار "بیروزی نهائی اخراج آمریکائی" به حرکت درآمدند. عده معدودی عنان فرصت طلب و مشکوک می کوشیدند که جلوی حرکت صف متحد و یکپارچه ضد امپریالیستی توده های مبارزان را سد کنند. کوشش بیپنده این عناصر معلوم الحال با صبر انقلابی مردم و شعارهائی چون "مرگ بر آمریکا" پاسخ گفته شد.

صف یکپارچه مردم در حال حرکت بیست چهار راه مصطفی و تخت جمشید بود که معدودی از این بقیه در صفحه پنجم

## در مورد بخشنامه دولت بازرگان

در تاریخ یکشنبه ۲۰ اردیبهشت از طرف "دولت موقت انقلاب" خطاب به کارگران کارگاهها و کارخانهها تاختن نامه ای صادر گردید که توجه به آن اهمیت دارد. اهمیت این بخشنامه را زیگوسبا طرمسائلی است که در آن قید شده و از زوسی دیگر بدان علت که صادر کننده اش "دولت موقت انقلاب" نام دارد. جوهر بقیه در صفحه پنجم

## آیاد دولت بازرگان یارشاطر است یا بار خاطر

آقای بازرگان نخست وزیر "دولت موقت انقلاب" در بیام تاریخ ۲۸ اردیبهشت ما خود در خطاب به مردم ایران مطالبی را عنوان نموده اند که راستی کم نظیر می باشد و الحسب و الاعراف برآزنده "دولت موقت انقلاب" فعلی است. آقای بازرگان میگویند "بر خلاف آنچه که بعضی ها توقع دارند دولت نیست که باید مشکلات و گرفتاری های مردم را برطرف کند بلکه در اصل مردم باید خواستها و مشکلات دولت را برطرف کنند. تا نتیجه آن بسود ملت برگردد. عجیب! ما تاکنون فکر می کردیم که دولت جناب بازرگان برای حل مشکلات عمیق اجتماعی مردم مستقر شده است، در حالیکه بر اساس کشف تاریخ و اوضاع این توقع بیجائی است و برعکس ملت باید مشکلات و خواسته های ایشان را برطرف سازد. اینکه مردم مثلاً از دولت توقع دارند که فکری بحال قرار دهد ای اقتصاد ملی با امپریالیسم بکنند و هر چه زد و تودهمه آنها را ملغی اعلام نماید، توقع بیجائست اینکه مردم از دولت توقع دارند که مشکل بیکاری را حل کند، توقع بیجائست! اینکه بقیه در صفحه سوم

## انقلاب یا سازش؟!

### نگاهی به آنچه گذشت

آزان است که انقلاب ایران انجام پذیرفته حاصل آن همه شبها به تپانها و تپانها واقعیت گشته است و در موکراسی و استقلال کسب نشده است. آیا این ادعای درستی است؟ آیا انقلاب ایران و انقلاب در موکراتیک و ملی میهن زحمر کسیده با انجام پذیرفته است؟ در این نوشته کوتاه سعی میکنیم به این سؤال پاسخ دهیم.

انقلاب اجتماعی در خلاصه ترین مفهوم آن یعنی سلب قدرت سیاسی از طبقه یا طبقات حاکمه و کسب آن بوسیله طبقه یا طبقات محکوم در وطن امپریالیسم زده ماحاکمیت سیاسی سرسپرده و عمیقاً ضد خلقی و سالهای سال بود که از طریق رژیم مغرب پهلوی اعمال میشد و کشور ما بصورت حیاط خلوت امپریالیسم آمریکائی درآمد بود. در بررسی صورتبندی طبقاتی قدرت سیاسی حاکم ایران در دوره پهلوی به این مسئله برخورد میکنیم که اگرچه بقایای جان سخت و هنوز فعال فئودال البته میکشیدند که بایست با ارتجاع بقیه در صفحه دوم

شهریورنجا و وشن و زمانیکه مبارزات ساکنان خارج از محدوده و بنام و خور کسیده شد و هنوز رژیم شاه نمیدانست که چه طوفان مهیبی ازین آن خواهد آمد. مبارزات خارج از محدوده و کهریتی بود که به انبار باروت ایران زده شد و سریع به آتش همه جا گرفتند بسز کردید. ایران آهستن انقلاب از آن پس قریب یکسال و نیم از در در خود پیچید. یکسال و نیم شعله سرکون به لاوری خلق و یکسال و نیم کشتار میرحمانه و توطئه امپریالیسم و هفتاد هزار شهید غرقه بخون و هزاران مجروح و مضروب و اینهمه را خلق با صبر و بردباری تحمل کرد و به امید آنکه حاصل ادب با رنجند دهه چهارم امپریالیسم و مبارزه علیه آن و به موکراسی و استقلال بیانجامد. بهترین گوییم انقلاب در موکراتیک و ملی این بلزده ایران عزیز تحقق یابد از قیام باشکوه خونین بهمن ۵۷ که خانه مقاومتی دولت بختیار فروریخت و دست اندر کاران قدرت سیاسی جدید در برهبرائی از توده سخن از بیرونی انقلاب میرانند. بسیار حیرت

پهلوی بحکم ارا ده خلق بجهوده تیر سیرده می شوند و هر تیری که به قلب کثیف این مزدوران می نشیند، در واقع قلب امپریالیسم آمریکا را نشانه گرفته است. راستی اگر سنا ای امر

سنا ای آمریکا احکام اعدام اجرا شده در مورد هویداها و القانیان هارا محکوم نمود و آنرا مغایر با حقوق بشر قلمداد کرد. موج اعتراض عمیق و بی شائبه میلیونی در سراسر ایران

## درباره زوزه های سنای آمریکا

یکای از احکام اعدامها ای اجرا شده اظهار ناراحتی نمی نمود، جای شگ و تردید موجود بود. حال اینکه موضع "جنا ویتس" و هم طویلها ای وی نشاندننده برحق بودن احکام صادره می باشد. چه کسائی از حقوق بشر دم می زنند! سنا توره ای آمریکا ها این رجاله ای کثیف و خوک صفت امپریالیسم آمریکا ایناربا بان دلزرو بقیه در صفحه سوم

که علیه این موضع سنا ای آمریکا برخاسته نشان داد که زحمتکشان میهن ما چه کینه ای عمیق و انقلابی از امپریالیسم آمریکا دارند. شعار "سنا ای آمریکا نمی محکوم با بدرگردد" اعدام انقلابی تا ثنید با بدرگردد" شعار بی بود که پس از هرزه در انی سنا تورتجا ویتس از اعماق خشم جوشان مردم برخاسته و سراسر کشور را یکپارچه علیه امپریالیسم آمریکا بسیج نمود. "مردم معامله دشمن قرار گرفتن امر تیکی است و نفید" و این درست است. امپریالیسم آمریکا با از دست دادن با نند مزدور و خیانته بیده پهلوی، موکراسی را از دست داد که گناید کمتر هم تا داشتند. سنا ای آمریکا مسئله اش در واقعیت امروزه موجود کثیف و شکمباره القانیانها و هویداها و خسرو دانه نیست بلکه و برای العین مشاهده می کند که چگونه توله های تربیال

## ارخواستیه های خلق عرب خوزستان فاطماتنه یشتیملی کتیب

خود بر سرند. متاسفانه نه تنها این امر تاکنون صورت نپذیرفته بلکه قدرت مندانه دولتعدارتاکنون به انواع و اقسام شیوه های سرکوب علیه آنان متوسل شده و حتی از اعطای لقب "تجزیه طلب" و "فدا انقلاب" به آنان خودداری نکرده اند. جوانان غیر عرب که با آنها در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم

میشده است. در جریان مبارزه عظیمی که بین مردم قهرمان میهن ما و رژیم سرسپرده ها صورت گرفت و به قلع و قمع دریا ریلوی انجاء میدخون زحمتکشان عرب خوزستان نیبائی نهال انقلاب تا کام ایران ریخته شد و آنان رشادتها ای شگرفی از خود نشان دادند. ۱۰ میدانان این بود که پس از سرنگونی رژیم پهلوی به حقوق و انصاف

طبق آمار تا ثنید نشده بیش از ۲ میلیون نفر از ساکنین خوزستان عرب بوده و در حوالی شهرهای بزرگ مثل اهواز، خرمشهر و آبادان زندگی میکنند. در دوره رژیم پیشین ما این زحمتکشان ستم دیده در بدترین شرایط مجبور به زندگی بوده و بهمان اندازه که گندیدتر مورد چپاول قرار می گرفتند به همان

تیرتیرا روزگارشان از تیرتیرا تیرتیرا

انقلاب یا ... در باره روس سیرد گی به امپریالیسم جهانی است، موقعیت خود را حفظ نمود، و بر چپاول و استثمار خود ادامه داد و هند و اما قدرت سیاسی در حین غالب و تعیین کننده خود، نه از سوی ایران، بلکه بوسیله بورژوازی کبریا و پرو لال صفت ایران اعمال میشد. این بورژوازی انگلی و مغرب که نافع را با نافع امپریالیسم برید، بودند و تا نفع استحواش به سرما به مالی امپریالیستی متصل می شود. در حقیقت از یک سو حاکمیت سیاسی امپریالیسم را اعمال میکرد و از سوی دیگر خود از قبل این سیاست و بستگی جاق و فرقه میشد. در بررسی بورژوازی کبریا و ایران، به دو جناح برخورد میکنیم که اگرچه از نظر وابستگی به امپریالیسم و مغرب انگلی و برتجاعانه شان یک طبقه واحد را تشکیل میدهند اما از نظر مرکز سرما به در رشته های مختلف و همبند و شرکت در هر قدر متفاوت بودند. از دو جناح هم بر یکی جناح بورژوازی بیرونی است. نظامی بود که شخصا خود را در رجه برده در باره پهلوی (باند شاه) امرای ارتش، سران ساواک و روشی عالیتر به اداری و ... و نیز یگان آن متبلور نمود. فائق را با یگان و دیگری جناح بورژوازی کبریا ورتولیدی (که آنرا بطور تاقی بخش خصوصی میماند) که هم از نظر رشته های سرما به گذاری و هم از نظر شرکت در هر قدر و رل غالب را دارا نبود. همینجا بگویم که این دو جناح بوروکرات و تولیدی علیت متفاوتی است موجود و هر دو یک خصوصیت کبریا ورتولیدی و وابسته را دارا بود و سر هر که ایشان به طویله های امپریالیسم وصل بود و هست.

انقلاب سفید " پنتاگون که از جمله اهدافش بستن هر چه بیشتره نشئون اجتماعی کشور به زنجیر سرما به امپریالیستی بود، در سالهای اولیه خود چنان عرصه وسیعی از کمترین استثمار و چپاول برای امپریالیسم و همبند و پهلوی های بومی بوجود آورد که این دو جناح هر یک تا توانستند از دست رنج زحمتکاران در شوقند و وجودند و بر نرسند. " انقلاب سفید " بهر راه خود از یک سو نفوذ سرما به های امپریالیستی و از سوی دیگر نفوذ بورژوازی کبریا ورتولیدی (جناح آنرا) را حتی تا دل روستاهای ایران بسط داد. حاصل این گسترش نفوذ و چفت شدن اقتصاد روستایی به سرما به امپریالیستی و طامان بومی وی بود که نتیجتاً باعث میرانی هر چه بیشتر این بخش از اقتصاد ملی نیز گردید. این وضع ناخواناوی سالهای ۵۲ روزگار خوبی را برای هر دو جناح بورژوازی کبریا ورتولیدی و بورژوازی بیرونی و برای اکثریت شکننده و قاطع مردم صیبن ما بوجود آورد.

از این زمان بر اثر رشد بحران اقتصادی امپریالیسم و انتقال آن به ایران شاهد شدیم که تناقضات درون طبقه حاکمه هستیم. بورژوازی بوروکرات کوشید که از طریق " رستاخیز " تناقضات درونی ارتجاع حاکم را خفیف و هد اما این جنجال درونی بورژوازی وابسته ایران بهمان اندازه که متحرک قدرت طبقه در بورژوازی بوروکرات شکل میگرفت و نقش اول وی در تنظیم و کنترل حرکت سرما به ارتقا می یافت و تشدید میشد. چار و جناحهای با اصطلاح بخش خصوصی در رابطه با برخی از اقدامات جناح دیگر در رسته های گروهی آمد و روه شمشک میشد و حتی گاهی اوقات به مجلس شد ساخته نیز منتقل میگردد و حاکم ایران بود که بورژوازی وابسته ایران علیت وحدت نظرد و سرکوب و چپاول

خلق، در درون خود دچار اختلاف و تناقضات بسیاری شدیدی گشته است. اختلاف و تناقضاتی که روز بروز عمده و وسیعتری یافتند.

وضع نیروهای خلق: در مرحله اول میباید از طبقه کارگران برود که با پیش از چهار میلیون نفر وزن مخصوص بزرگی را در مبارزات اجتماعی دارا است. در سالهایی که بحران سیاسی - اقتصادی موجود، کرد با عظیم مبارزاتی را در ایران بوجود آورده اند. این حزب سیاسی خود بسیر میگرد. اگرچه نوزک دک کشتی انقلاب آتسی ایران، از پشت و دو و باروت و امواج سرکش خون شهیدان دیده میشد، اما طبقه کارگر ایران، آن رهبری راستین، آن حزب کمونیست خود مند خود را دارا نبود. کمونستهای ایران نتوانستند خود فائق آیند و وحدت کنند و رجه نفوذ خود را در بین طبقه کارگران رتقا دهند. جنبش کمونیستی ما راه خود، و جنبش کارگری ما راه خود را میبوید. هر چند در بحران اقتصادی - سیاسی عمیقتر میگذشت، بهمان نسبت از یک سو عقب ماندگی جنبش کمونیستی از جنبش کارگری عیان میگردد و همانطور این عقب ماندگی باعث آن میشد که از یک سو نیروهای سیاسی فعال غیر وولتری و نقش هدایت کننده و راکب کنند. بطوریکه از شهر به بیجا و شش به بعد و حتی موقعیکه اعتصابات عظیم کارگران نفت پیکر زار رژیم شاه را در هم می پیچیدند روشن بود که طبقه کارگر بخاطر نداشتن نقش مستقل در جنبش عمومی خلق و فقدان حزب طبقاتی خود، قادر به تأمین رهبری در مبارزه علیه امپریالیسم نشده است. این امر نه تنها سرنوشته آتی مبارزه وی بلکه سرنوشته مبارزه مجوسه خلق را تعیین مینماید. مسئله کسب همونی و هدایت مبارزه طبقاتی همواره در مرکز ثقل هرگونه برخوردی نهفته است. اگرچه اشتراک منافع پرولتاریای در این مرحله از انقلاب اجتماعی با سایر طبقات و اقشار خلقی امری کاملاً روشن و مسلح است اما چنانچه رهبری مبارزه انقلابی در یک با کفایت طبقه کارگر قرار ندهد، این مبارزه را در دست گرفته و آنرا به پیش خواهند برد. و در دست در همینجا است که بورژوازی میگوید جای خالی پرولتاریا را پر کند. پر کردن جای خالی طبقه کارگر بوسیله بورژوازی و بطور اجتناب ناپذیر از طبعیت و پیگیری جنبش صدا امپریالیستی می گاهد و راه را برای بند و بست با محافل هیأت حاکمه بدنبال خود باز میکند.

در شرایط بحرانی و سال اخیر مبارزه میدان رهبری انقلاب جاری بوسیله پرولتاریان طبقه کارگر تسخیر نشده. در عهاتان، این متحدین نزد یک پرولتاریای کشور نمیتوانستند از دل روستاهای ایران، بد انسان که می باید و گوی رژیم شاه را بغضارند و این جبهه ازینبر کسا - بیخ خاموش ماند. نتیجه آن گردید که با وجود جانفشانی و مساعدت طبقه کارگر خود، بورژوازی سنتی بازار بورژوازی متوسط یک تاز اوضاع شدند. خود بورژوازی سنتی بازار اگرچه در مقابل هجوم سرما به مالی امپریالیستی مقاومت میکرد، اما بهر راه این مقاومت بود لی و ترو در خود را نیز در روج جنبش حمل مینمود. در هن عقب گرا و متحجر این خورد و بورژوازی که آنچه به اجزای و از هم جدا بود، در اصلی ترین عنصر خود نمیتوانست با و

یت مبارزه ملی ضد امپریالیستی کرد، اما هم در این زمینه هم در زمینه موزکاسی و ساز احتیاج به رهبری طبقه کارگر داشت. بدون این رهبری، خود بورژوازی و بورژوازی بازار مذ هبی در عین استفاد از این پیشینه شرح تشیع مبارزه کرد لی و عقب گرائی خود را میباید به معرض نمایش بگذارد. این اقتدار، مبارزه علیه امپریالیسم را در مضمون مبارزه قاطع ضد سلطنتی و از طریق آیت اله خمینی انجام می دادند. ایشان که از محدودیتی کم نظیر برخوردار بودند، در شرایطی که هیچ نیروی دیگری قادر به رهبری نمودن جنبش خود نشده بود، تبدیل به محور قلم مبارزه شدند و در رگون مبارزه به رهبری جنبش عمومی خلق رسیدند.

بورژوازی متوسط ایران نیز که میباید آت را بهما به یک لایه اجتماعی در حال مرگ اما سخت جان تشبیه نمود، ازین و اشتعال مجد و حریق سرتاسری جنبش کوشید که خود را بعنوان یک نیروی سیاسی جا بزند. بورژوازی متوسط که در عقب در طول پیش از هفتاد سال حاکمیت بی - خارج سرما به در لال امپریالیستی گرفته شده و چند بار تجزیه و چند بار ریختن و روست روی را در گذشته اش در ایا بود، با اجده خود فاصله زیادی دارد. وی بورژوازی متوسط یک کشور تحت سلطه امپریالیسم است و همین اسرار از شدت متزلزل و در ویرانی است. همین اسرار از قاطعیت مبارزه و اورا شدت در چار و لیبرالیسم بورژوازی مینماید. وی لیبرال و محافظه کار و مستعد سازش و خیانت است و این جنبه خیانت و سازش با امپریالیسم یا جناحهای آزا پستانگانه امپریالیسم، در بورژوازی صیبن مانند یک قابل رویت بود. در دست در شرایط رشد مبارزه و یعنی زمانیکه توده مردم به خیا با آنها ریخته و تحت رهبری مده همیون ضد سلطنت شعار نارنج بود، با سلطنت رسید اند و بورژوازی متوسط میکوشید از طریق نامه نوشتن به شاه و اورا راضی کند و در حقیقت امپریالیسم را راضی کند که دست از جاجت خود بردارند و به " موزکاسی شاهانه و سلطنتی " بازگردند و " رژیم مشروطه " را بر مبنای قانون اساسی حاکم سازند.

در اوضاعی که مبارزه مردم پس از ماههای اولیه تند افمی و حالت تهاجی بخود میگرفت و سرتاسری میشد، قاطعیت توده و سر سختی مده همیون ضد سلطنت در نیند برفتن راه حل - های پیشنهادی بورژوازی متوسط عملاً لیبرالها را مجبور به اتخاذ تصمیم نمود. و نه فقط لیبرالها بلکه امپریالیسم را نیز از انصود که نصیحت تازه ای میگردد - در ابتدا امپریالیسم به برخی از اصطلاح " آزاد بها " تنس در داد. گابینه شریف امامی میبایست بتواند در چهار چوب برخی قول و قرارها قد مهبای نیم بند و هم در لیبرالها را بدست آورد و هم از تهاجم مبارزه مردم بگاهد. لیبرالهای سلطنت طلب حتی حاضر به دادن مصلحت به شریف امامی نیز شدند. اما بفراد ای آن میلیونها توده در جان برک بطوریکه رجه به " فضای باز " محمد رضا شاه می گفتمند. امپریالیسم بد گابینه نظامی متمول شد. کشتار خونین سازمان داد، اما هم فایده ای نبود. در یکمبار کردن جنبش نه از طریق لیبرالها و نه از طریق سرکوب امکان نداشت و اینجاست که برای امپریالیسم جستجوی " راه حلی " که بتواند منافع اساسی وی را از گزند اجتناب بخشد، توده ای حفظ کند و اجتناب ناپذیر بگردد.

صلاد رهبری اوضاع درونی ارتجاع حاکم آشکار نموده بودیم که تناقضات داخلی آن نیز تشدید گشته بود. بورژوازی کبریا ورتولیدی خواستار وحدت و گشتن قدرت باند بوروکرات - نظامی بود و این معد و شدن قدرت را هم به نفع امپریالیسم و هم به صلاح خود میدانست. بورژوازی متوسط نیز مسئله اش قطع نفوذ امپریالیسم بطور کامل نبود. خود بورژوازی ضد سلطنت نیز مبارزه ضد امپریالیستی را تنها تاحد و از کونی سلطنت محمد رضا شاه میدید و هیچ برنامه قاطع و رادیکالی در جهت در کونی بنیادی نظام پوسیده و وابسته ارائه نمیداد. این تنها توده های کارگران و زحمتکاران شهر بودند که عرصه خیا با آنها را بعد از تیلور را در یکالیم خود تید یک کرده و بدون رهبری یک حزب کمونیست حتی شعار " رهبران ما را مسلح کنید " را بیان مینمودند.

استراتژیهای امپریالیسم در جریان جستجوی " راه حل " مدهتها بود که به یک مسئله رسیده بودند و آن همسویون خواستهای بورژوازی کبریا ورتولیدی و بورژوازی متوسط ایران در زمینه متحد نمودن و حتی واژگون کردن قدر باند بورژوازی بیرونی و نظامی پهلوی بود. در حقیقت هم بورژوازی متوسط و هم بورژوازی کبریا ورتولیدی هر دو وقتی انفسه خواستار یک امر واحد بودند و آن تنگ کردن عرصه سر بورژوازی بیرونی است. نظامی و ایجاد امکانات بیشتر برای خود شان می بود. منتهی این خواسته ها در تحلیل نهایی اساساً منافع امپریالیسم را در ایران با خطر نمی انداخت. امپریالیسم در اثر فشار رومبارز مردم میبویستند بود که عقب بنشیند و منتهی می خواست در بین راه راه حلهای ناشی از عقب نشینی که بهر حال بضروری بودند، راه حلی را که " کمترین تر " بود انتخاب کند. و صلت بورژوازی متوسط و بورژوازی کبریا ورتولیدی راه حلی " کمترین تر " و یا بهترین راه حل برای امپریالیسم آمریکا بود.

بجوازات تشدید مبارزه بین مردم و رژیم وابسته حاکم، بورژوازی متوسط تصمیم گرفت که از یک سو مخالفت با سلطنت کونی و اعلام کند تا بد بتقریب هم خود را از انفراد تجسات دهد و هم راه را برای آیند، بازنگد و از سوی دیگر اذکرات با نماند گانی از ارتجاع حاکم را برای رسیدن به توافقهای عقلی شدت بخشد در همین اوضاع است که هویدر نحی میکند جناح ها و واقع نشده، سرما به دل را به کودتا نکردن متقاعد کند!! شاه را برای استراحت بخارج میفرستند و بازگان و سعایی با قره باغی ملاقات میکنند و به گفتگو میپردازند، و همه مقدمات برای " انقلاب " آماده میشدند. توده های وسیع خلق با خواست انقلابی به قیام قیامانانه بر میخیزند و در حالیکه با بالاندن بیزه ارتجاع حاکم برخاک و تصور دارند که انقلاب به پیروزی نهایی رسیده است و از آنجکه در رشت پرد و میگردد بخیر هستند. " بطرفی " ارتش شاهنشاهی و تیک شدن یکسبه آن به ارتش اسلامی و اعلام ختم مذاکرات پشت پرده و نتیجه گیریهای است که در رشت سرتود مردم گرفته شد. قدرت دولت بولتلف به نام " دولت بوقت انقلاب " قدرت سیاسی را بدست میگردد و امپریالیسم آمریکا که توانسته عقال و ابادی خود را در دولت جاد او و در قدرت سهم نگهدارد و نفسی بر احنسی میکند و طرح توطئه های بعدی را بر سر میبازیس گرفت و ستارور های بقیه در صفحه



۱۴ اردیبهشت ... مردم اردیبهشت توجیه دارند که ما اگر انقلابی باشیم باید...

تفاتیما را در کنگره توفیق بیجا نیست و اینکه مردم اردیبهشت توفیق را دارند که...

مطلب ما را تحت فشار قرار میهند و کنگره توفیق بیجا نیست و اینکه مردم اردیبهشت توفیق را دارند که...

مطلب ما را تحت فشار قرار میهند و کنگره توفیق بیجا نیست و اینکه مردم اردیبهشت توفیق را دارند که...

مطلب ما را تحت فشار قرار میهند و کنگره توفیق بیجا نیست و اینکه مردم اردیبهشت توفیق را دارند که...

مطلب ما را تحت فشار قرار میهند و کنگره توفیق بیجا نیست و اینکه مردم اردیبهشت توفیق را دارند که...

### ایجاد سند یکای کارگران نفت تهران امری محققانه است

کارگران پایتخت با اینکه تا چهره ان خواهان ایجاد سندیکا یا کارگری هستند...

کارگران پایتخت با اینکه تا چهره ان خواهان ایجاد سندیکا یا کارگری هستند...

کارگران پایتخت با اینکه تا چهره ان خواهان ایجاد سندیکا یا کارگری هستند...

کارگران پایتخت با اینکه تا چهره ان خواهان ایجاد سندیکا یا کارگری هستند...

ایستاده های ... در تبریز و وی پشت سر گذارنده اند... پس آنرا نگاریم با زبان...

ایستاده های ... در تبریز و وی پشت سر گذارنده اند... پس آنرا نگاریم با زبان...

ایستاده های ... در تبریز و وی پشت سر گذارنده اند... پس آنرا نگاریم با زبان...

ایستاده های ... در تبریز و وی پشت سر گذارنده اند... پس آنرا نگاریم با زبان...

ایستاده های ... در تبریز و وی پشت سر گذارنده اند... پس آنرا نگاریم با زبان...

ایستاده های ... در تبریز و وی پشت سر گذارنده اند... پس آنرا نگاریم با زبان...

# آقای یزدی: وکیل مدافع امپریالیسم آمریکا، سید یا خد متگذار خلق ایران؟

قطعاً نه سنای آمریکا موجسی از اعتراض و اعلام نفرت نسبت به امپریالیسم آمریکا را بدنبال داشت.

خلقیهای میهن ما پراغشته از این دخالت امپریالیسم آمریکا در واقع ایران و جان نبداری نمایندگان انحصارات آمریکا از مزدوران نشان در ایران و از طرق گوناگون چه در سطح مطبوعات و چه تظاهرات و سخنرانیها و غیره به محکوم ساختن دولت امپریالیستی آمریکا پرداخته و گفته خودبه این امپریالیسم را بار دیگر با صدائی یسرها اعلام نداشتند اما در این میان عناصر مشکوک رخنه کرده در مقامهای حساس دولتی کوشیدند از طغیان خشم خلقهای میهن ما جلوگیری نمودن آب تظلمیر روی دولت امپریالیستی آمریکا ریختن و این تمایز بیند و بسازار انحصارگران آمریکائی را به دوران حملات بیخ خلق نگذارند.

روشن است که چنین عناصر و محافظی نمی توانستند با صراحت تمام از قطعنامه سنای آمریکا جان نبداری کنند چه در این صورت کوس رسوائی بیشتر خود را بدست خویشتن می نواختند و حتی فریب خوردگان را نیز بر علیه خود می شوراندند. پس با لاجب رچند کلامی هم در محکوم ساختن قطعنامه سنای آمریکا بر زبان را نندند تا جان کلام خود را بر زهر برده با اصطلاح مبالغت بسا آن قطعنامه به فریب خوردگان حقه کنند. دکتر یزدی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی که عمری را در آمریکا سپری کرده و بجای شرکت در مبارزه گسترده و متداول ضد امپریالیستی ایران با خارج از کشور در باب "غناخت" از چگونگی مناسبات انحصارگران آمریکا بی خبر عمیر نمونه انده موفق به کشف عیبی گردیده و مدعی شدند که "قطعنامه ما نر شده است و سنای آمریکا لزوماً به منزله سیاست دولت آمریکا در برابر ما نیست" ایران نیست زیرا "قوه مقننه در آمریکا از قوه مجریه جداست" جلاله لائق آقای یزدی اینها را نیا نیا نه به که هدا زنده اند و آنچه را که در دل تنگشان تلخبار شده بود بازبان بیزبانی ا برآز داشته اند. جان کلام آقای یزدی در اینست که به قطعنامه سنای آمریکا نیایستی بمنزله سیاست دولت آمریکا نگریست و سیاست این دولت امپریالیستی مبتنی بر دخالت در امور ایران نیست. اگر این چنین لافا فلاتی از زبان کسانسی چون خلعتبری جاری می شد جای تعجبی نبود و این تنها نه از آنجهت که خلعتبری و هم بیادگامی نغی در وابستگی به امپریالیسم آمریکا سابقه چندده ساله داشته اند بلکه همجنسند: آنجهت

که در مقام سرپرستی وزارت امور خارجه رژیم محمدرضا شاه عمل میکرد. حال همان ترهات را آقای یزدی بازبانی دیگر و در پوششی عوامفریبانه تر در همان مقام سرپرستی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی تحویل مردم میدهد. بزعم یزدی دولت امپریالیستی آمریکا الزام نیایستی بمانند پارلمان آن کشور دربی مداخله در امور ایران باشد. مگر انجام کودتای زندگین ۲۸ مرداد دخالت در امور ایران نبود؟ مگر تحمیل قرارداد دکنسر سوم دخالت در امور ایران نبود؟ مگر فرمان به رژیم سرسبره شاه مبنی برشکست در پیمان تجا و زکارانه سنتون دخالت در امور ایران نبود؟ مگر اعزام بیش از ۴۰ هزار مستشار نظامی آمریکا به ایران دخالت در امور ایران نبود؟ مگر جان نبداری تمام میروسی جمهوری آمریکا و تمام دیگر مقامات دولتی آن کشور از رژیم شاه نداشتد را مفسور ایران نبود؟ مگر با گرفتن سازمان جاسوسی سیا در ایران دخالت در امور ایران نبود؟ مسلماً تمامی اینها امپریالیستیهای آمریکا هستند و در امور ایران بوده اند و تمام آنها توسط و یا زیر نظر قوه مجریه آمریکا انجام گرفته اند. آیا آقای یزدی دچار بیماری فراموشی شده و تجا و زرات و دخالت بی شمار قوه مجریه آمریکا را در امور ایران از یاد برده است؟ مسلماً این چنین نمی تواند باشد. چون در این صورت بر کرسی سرپرستی وزارت امور خارجه نشاندن نمی شد بلکه به بیمارستان بیماریهای روانی روان میگردید. پس با یستی در فتنایهای آقای یزدی را در برابر ای دیگر دید که گرمردم ایران به تمام می جوانب آن آشنائی نداشته باشند با دشمنان خونشان بهتر از همه میدانند که چرا زبان بد قاع از دولت امپریالیستی آمریکا و بسا صراحتی که در اینان کمتر سراج داشته ایم، گفوده اند. مسلم است این اظهارات آقای یزدی تنها

## شعری

**سروده یکتا کارگر**

برادرها زبان مردان پسرها  
سنگین ها بریشان کارگرها  
نماز هر کجا هر چه بپایند  
هنه از یک زواریک تپایند  
اگر موهبید مانگیرا بشید  
بهم پیوسته چون زحمی باشد.

بهم پیوستگی در این دسرها  
که باشد بر عهد آئینها خطرها  
از آرزوی شعار دوست دارم  
که خوب یک عضو از روی کارم  
از آرزوی شما بیزار گفتم  
که خوب یک عضو استوار گفتم

از آن دعوت گفتم بر هم نوائی  
که بعد اسم خطران از جدائی  
سلاح بر چهره زانهار است  
و کوبه کارگر تک تک زیاده است  
رفیقان

دست نهیسان از حسد نهیست  
صدای یک طوفان گرسنه است

چهره دولت امپریالیستی آمریکا را در نظر دارد. ما به پیروجه اعتقاد نداریم که آقای یزدی ابله سیاسی است و انساب چنین خصوصیتی را به ایشان کمالاً ندرست می دانیم. پس چاره ای جز این نداریم که از دولت آقای بازرگان سؤال کنیم چرا وزیر امور خارجه این دولت بجای آنکه دفاع از منافع خلقهای ایران را بر عهده گیرد، نقش وکیل مدافع دولت آمریکا را ایفا می کند؟ و این نقش را آیا دولت شما به ایشان واگذار کرده است یا اینکه سرخ جوی دیگری بنیادست بدست دولت آقای بازرگان بدانده هر ا لدر بیون می نویسد: "اینکه یزدی سعی کرده است اختلافات ایران و آمریکا را کوچک جلوه دهد موجب رفع نگرانیهای آنها (مقامات واشنگتن) شده است". و اما این گفتار را گردگار نهیهای محافظان امپریالیستی آمریکا را بر طرف ساخته، برعکس نگرانیهای خلق ایران را شدت بخشیده است. پس دولت آقای بازرگان موظف است روشن سازد که وزیر کار بیدنه اش با یستی نقش التیام ندهنده نرد های امپریالیسم آمریکا را داشته باشد یا خدمتگداری به خلق ایران را

## تور و هاشمی رفسنجانی، اقدامی ضد انقلابی

تور و هاشمی رفسنجانی از نظر مردم میهن ما ضد انقلاب است. زیرا انجام چنین عملیاتی، تنها و تنها در خدمت وجود آوردن محیطی منسج و جوی پلیمی و خفقان آورنده که زمینه را برای مرکوب نیروهای انقلابی بسوی سهیله ضد انقلاب فراهم می آورد.

همه میدانند که انقلاب میهن ما در نیمه راه متوقف شده است و ایادی ارتجاع و امپریالیسم و دیگر تسلیم طلبان حمله گرانه میخوارند سنگرها را از خلق باز پس بگیرند و پسین خاطر هر روز حادتر می آفرینند، آشوب بیامکنند تا با دست بازتری بتوانند به مرکوب خلق بپردازند. اتحاد نیروهای گوناگون و سایر انقلابیون و دسکراتها برای حفظ و گسترش دستاوردها ضرورت عاجل دارد.

یک چنین ترورهای ضد انقلابی در واقع امره هدف ضحرف کردن از همان سردم روزیاف انقلابی، بوجود آوردن تفرقه و تشتت در صفوف خلق، سود جوئیهای فریبکارانه و زمینه سازی برای هجوم فاشیسم و ضد انقلاب را دنبال میکند. در دست یابی دلایل است که ما با صدای بلند و تفره و نزار خود را از چنین ترورهای اعلام میداریم.

استواران اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسم برای درهم کوبیدن ضد انقلاب گروه انقلابی، مارکسیست - لنینیست (پیکار خلق)



انقلاب یا ... قيام ميروز .  
 خرد به روزی مذ هبی ضد سلطنت کسه  
 بشاره یگانه نیروی هدايت کننده و جنبشی  
 نقش بازی میکره و قملانا همین جابانغ شده  
 بود و رواق پیشتر از آن نیز نمیتوانست پیش  
 برود زیرا بر نامه ای فرا تر از این نداشت . در  
 حقیقت این بخش از خرد به روزی و اگر هم  
 طبقه کارگر وجود میداشت، نمیتوانست با تکیه بر  
 خصوصیت ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی اش  
 مؤثر واقع شود، اما بعلمت همان فقدان عظیم  
 جنبشی مایعنی عدم وجود حزب کمونیست، نه  
 تنها تیدیل نتیجه مبارزه حاصل نموده ها به یک  
 "انقلاب ناکام" و سازش ناگزیر بود، بلکه این  
 خرد به روزی نیز از حوزه تأثیر سازش نی  
 توانست کنار ماند . با پیتر تیب امیریا لیسیم  
 آمریکا با سنگین مبارزه توده ای را که بسرا  
 فشار پیش از اندازه ای وارد آورد و بود از این  
 کرده به آن گرد مانده اخت و بجای رژیم پهلوی  
 "دولت موقت انقلاب" که حاصل سازش  
 بیروزی متوسط و بیروزی کبریا ورتولیدی  
 بود مستقر گشت .

با استقرار دولت جدید و انقلاب اجتماعی  
 میهن مامجد و آراشرفقدان قطب نیروستند  
 کمونیستی (حزب پرولتاریا) ناکام ماند . هم  
 اکنون قدرت سیاسی بصورت تقسیم شده نمان  
 از طریق خرد به روزی عقب گرگامه شده ی  
 ضد کمونیست نیز میماند و "دولت حاصل  
 سازش بیروزی متوسط و بیروزی کبریا ورت  
 تولیدی اعتلا میگرد . این جناحها از ضد  
 استقرار حاکمیت جدید و چارننا قدرتیضاد  
 میباشند . خرد به روزی راست قدرتم آنکه  
 کار انقلاب را با یان یافته میداند و حتی در  
 اوها م استقرار "جمهوری اسلامی" شدیداً  
 گرفتار است، میگرد که عناصری از جنبه های  
 خریزی ملی اش را با رگرگید و برخی حرکتات  
 انقلابی و ضد امپریالیستی انجام دهد و نظیر  
 اعدا همای انقلابی خائنین سرسپرد . اما  
 بسوازات آن شده ی از رخصت و مرکزیت نهی  
 است و خصوصیت ارتجاعی انحصار طلبانه و  
 ضد کمونیستی اش روز بروز تشدید میگردد . گامینه  
 کنونی بشاره یک مجمع سازش و تقاهم با بیروزی  
 کبریا ورتولیدی نمیتواند دست به اقدامات  
 واقعا ملی و ضد امپریالیستی بزند و زیرا در این  
 صورت نتیجه به ریشه خود زده است، اما ایس  
 مجمع بمثابة ارگان سرما به جهت حرکت  
 سرما به های خود تاحدودی احتیاج به  
 "دموکراسی" دارد . ضد دموکراسی خرد به  
 بیروزی ناقص چنین باصطلاح "دموکراسی"  
 است و ملی گرایی خرد به بیروزی و تضاد با  
 خصوصیت سازشکارانه و تقاهم جوینه بیروزی  
 متوسط قرار دارد . تضاد بین "کمیته های ا  
 و گامینه بازگان در این مسئله نهفته است.  
 بیروزی متوسط در حالیکه از سرکوب پرولتاریا  
 و نیروهای کمونیستی و ضد دردنس آب مینو  
 ولی خود را مدافع "دموکراسی" مینماید زیرا  
 نوس از آن دارد که در یکا توری و انحصار طلبی  
 خرد به بیروزی راست مانع حرکت سرما به اش  
 گردد و دلالت از رجه معینی برای زبان معینی  
 حاضریه "حتم بخشی" برخی "دموکراسی" های  
 بیروزی هست . حاصل حلت تضاد بین انسان  
 هرچه که باشد و در هر صورت نتیجه نهایی  
 مبارزه زحمتکشان نتواند بود . پرولتاریا درین  
 اینکه از اقدامات ضد امپریالیستی خسرده  
 بیروزی می باید پشتیبانی کند لیکن مبارزه  
 با خصوصیت های ارتجاعی و انحصار طلبانه

در مورد ... بخشنا همان است که  
 کارگران کارخانجات و کارگاهها،  
 اعتصاب تکنیدونست از مطالبات خود  
 بر دارید که در غیر این صورت تضاد  
 انقلاب هتید در بخشنا مه پس از  
 یک مقدمه کوتاه آمده است :  
 "بدیهی است که راه اندازی کارگاه  
 ها و کارخانجات بخاطر سودرسانی به  
 کارفرمایان نبوده، منظور اصلی  
 رفع بیگاری می باشد."  
 راستی آقای بازرگان فکر می کند یا  
 مشتق احق طرف است که اینطور اد  
 سخن مورا ند؟ آیا واقعا بر اه افتادن  
 کارخانجات بخاطر سود رسانی به  
 کارفرمایان نیست؟ و اگر اینطور  
 است چرا آن چند میلیاردری را که  
 دولت به سرما میداد و وام داد به  
 کارگران برداخت نمود؟ نخیر!  
 آقای بازرگان، کارگران دلیرا ایران  
 خوب میداند و شما هم نمی توانید این  
 حقیقت را از ذهن آنها دور کنید که  
 شما و دولت شما مدافع حقوق سرمان به  
 ناروان و شرگان سوداوری انسان  
 هتید . بخشنا به "دولت موقت انقلاب"  
 پس از این دروغ که صرفا برای موجه  
 جلوه دادن خود به آن دست زده است و  
 رسماً به تهدید کارگران برداخته و  
 میگوید: "اعتصاب ها و فشارها را که  
 برای مطالبات قانون کار صورت

ضد دموکراسی و ضد کمونیستی می رانید به  
 دست فراموشی میسار . پرولتاریا در همین  
 خواهان اجرای دموکراسی است لیکن نباید  
 فریب باصطلاح "دموکراسی بیروزی را بخورد  
 و مبارزه با خصوصیت سازشکارانه و تقاهم جوینه  
 وی با امپریالیسم را از یاد ببرد . پرولتاریا برای  
 اینکه خود و سایر زحمتکشان را آزاد گردانند  
 تنها یک راه دارد و آنهم بوجود آوردن تشکیلات  
 سیاسی مستقل خود و بطور مستقل حرکت کردن  
 میباید .

یک دوره از مبارزه سخت و پرتلاش طبقه کارگر  
 ایران بنیایان رسید ولی طبقه کارگر در این مبارز  
 عظیم نقش زامه خرد به بیروزی و بیروزی  
 متوسط را بازی کرد . حاکمیت سیاسی موجود  
 اگرچه در نشقه بیروزیهای که مردم کسب  
 کرده اند و هنوز زینتیهایی نود و برخوردار  
 است اما می باید در زندگی اجباراً رخصت  
 طبقاتی ضد کارگری اش را به عرض نمایس  
 بگذارد . کما اینکه هم اکنون اقدامات ضد  
 کارگری بیشطاری انجام می پذیرد . تضاد های  
 طبقاتی می باید بالا جبار رشد کنند . ایران  
 مجدداً آستان انقلاب خواهد شد و انقلاب  
 دموکراتیک نوین بطور جدی در دستور کار این  
 مرحله ارتکامل میهن قرار دارد . برای جبران  
 همه عقب افتادگی ها و برای تضمین پیروزی  
 انقلاب آتی برای تحقق استقرار و لست  
 واقعی انقلاب یعنی جمهوری دموکراتیک خلق  
 طبقه کارگری میباید حزب خود را داشته  
 باشد . برای اساس کمونیستی های ایران  
 می باید با هم وحدت کنند و با طبقه کارگری بوند  
 برقرار سازند و حزب کمونیست را ایجاد نمایند،  
 طبقه کارگر را بر پیروچ حزب متشکل گردانند و  
 وحدت کارگران با سایر زحمتکشان بوسیله  
 در همان رانحوق بخشند و راه انقلاب مسلحاً  
 شود و انداخته از علیه امپریالیسم و وابستگی  
 و حاکمیت بوسیله یی بپایند .

می گیرد و یا دخالتها را که از طرف  
 کمیته های اعتصاب و یا شوراهای  
 کارکنان و نظایران در مورد مدیریت  
 موات و اعتصاب ها بعمل می آید  
 و بینجامی یا تعطیل کارگاهها و  
 کارخانجات بوجود می آورد و اعمال  
 ضد انقلاب میباید و اختلال در کار  
 مملکت و دینعی یا ملت است."  
 دولت آقای بازرگان دیگر وقاحت را  
 به اوج خود میسراند . مطالبات قانون  
 کار را اعتصاب کنندگان ضد انقلاب  
 است، دینعی یا ملت است، اختلال  
 در کار مملکت است، آقای بازرگان  
 گویا فراموش کرده است که مبارزات  
 دلیرانه همین کارگران بود که باعث  
 بیرون ریختن با ندددمنش ما گردید  
 و در غیر این صورت ایشان هرگز نمی  
 توانستند به کرسی نخست وزیری  
 "دولت موقت انقلاب" تکیه زنند .  
 آیا مطالب حقوق و دستمزد بخور و نمیزی  
 که بوسیله آن شکم از گرسنگیها دکرده  
 فرزندان کارگران میتوانستیم  
 بشود ضد انقلاب است؟ کارگران ما  
 مگر چه میخواهند؟ آنان میخواهند  
 به کارگزاران خود بدهند، آنان میطلبند  
 که دولت بازرگان فکری بحال هزینه  
 های معوق آنها بگذرد، آنها به دولت  
 اعلام میکنند که کم زنی و فرزندان شان  
 گرسنه است و آهی در بساط ندارند و  
 گریه خانها را ماها است  
 که برداخت نکرده اند . آیا ایس  
 خواسته ها ضد انقلابی است؟ دولت  
 بازرگان مجبور است به یک سوال  
 پاسخ نهد، آن اینکه اصلاناً کس  
 چه قدمی بر راه منافع کارگران بر  
 داشته است؟ کدام اقدام بر جهت  
 تامین خواسته های آنان انجام  
 داده است؟ بخشنا به دولت میگوید:  
 "کارگران محترم توجه دارند که نه  
 دولت و نه کارفرماها روی گنج قانون  
 نخوا بیدند" یا زهم شروع میگو  
 یند . سرما به داران ایران از قبیل  
 دسترنج طبقه کارگر وطن ما میلیونها  
 و میلیونها تومان به جیب زده اند،  
 آنها قانون های عصر ما هستند . فقط  
 کافیت شما قدمی بردارید سرما به  
 های آنان را ملی کنید و در اختیار  
 خلق قرار ندهید، آنوقت خواهید دید  
 که چه گنج قانونی است . آنکه هیچ  
 چیز ندارد کارگراست . و آنکه همه  
 چیزها بدکسب کند با خودا دست .  
 دولت آقای بازرگان نه تنها به  
 ناحق خواسته های کارگران را ضد  
 انقلابی میماند بلکه درین حال  
 ندان میند که حتی معنی "انقلاب"  
 را نیز نمی فهمد . در هیچ جای دنیا  
 "دولت موقت انقلاب" با این لحن  
 ضد انقلابی با انقلابی ترین طبقه  
 کمزور سخن نرانده است که دولت  
 بازرگان میباید . دولت اصلاحی  
 دولتی است که تکیه اش بر زحمتکشان  
 میباید در حالیکه دولت آقای  
 بازرگان بنا بر ماضیت ضد کارگری است  
 نه تنها بر کارگران تکیه ندارد  
 بلکه حتی با این اقدامات و بیگاری  
 آنها را اختلال در مملکت میماند .

فاتیم بر ... عناصر تحریک شده  
 بسا خودروهای ارتشی (که این خود  
 نشانه ندهنده حمایت دولت از این افراد  
 میباشد) و بسا بر خورداری کامل  
 از حمایت افراد مسلح به آزار و ضرب  
 و جرح میازان ضد امپریالیسم بر  
 داخه و یا بورد های فاشیستی به  
 صف مردم حمله کردند و کماکان در جلوی  
 صف تظار هر کنندگان با شعارهای ضد  
 کمونیستی و بر خورد های فاشیستی  
 به حرکت خودا میماندند . در چهار  
 راه تخت حنفید که نیمه از تظار هر کنند  
 گان بطرف سقارت آمریکا به حرکت  
 خودا میماندند بودند تعدادی بسا  
 جماعتی و جاقوبه نیمه دوم صف حمله  
 کردند و تعدادی را مجروح نمودند .  
 این اربابان با توبس حامل ما دران  
 شهدا و توموبیل بیگاری که کسر  
 نشینان آن شعارهای ضد امپریالیسم  
 لیستی میدادند را نیز مورد حمله  
 و حتی نه خودت را در اندو با خرد کردن  
 شیشه ها سر نشینان دوا توموبیل را  
 مجروح کردند . نیمه اول صف تظار  
 کنندگان هم که به سقارت آمریکا ت  
 دیک میند با مخالفت و فشارهای  
 فاشیستی همان عناصر و بر و گشت  
 که با شعارهای "مرگ کمونیسم"  
 میگویند در شدت حملات مردم بر  
 امپریالیسم بر گاهند .  
 هر چند که گردانندگان گروه های فاشیستی  
 کوشیدند با معشوش کردن افکار  
 توده های مردم برای خودا بروشی  
 کسب کنند ولی غافل از اینند که  
 چهره واقعی آنان در پی اینگونه  
 توطئه جیبیها در رویدادهای روزمره  
 عربان ترمی شود .  
 مگر آ دیدیم که کارگران ارتجاع  
 کوشیدند که مبارزه ضد امپریالیستی  
 در برابر سقارت آمریکا با این لانه  
 چپا و لگزان جهانیان کانون تور  
 طنه های ضد خلقی پنجاه ساله اخیر  
 در ایران را تغییر سمت داده و بنام  
 دین به کمونیست گئی تبدیل نمایند .  
 این تنها نمونه حرکت های مرتجع  
 نه این کارگزاران امپریالیسم  
 نبوده بلکه صدها رویداد چندین ماهه  
 اخیر تحت عناوین مختلف نشانه ندهنده  
 این است که ارتجاع زخم خورده سه  
 ماه پیش در شکلی منجم و با زمان  
 یا فته هوروش همه جا نیه و فاشیستی را  
 علیه کلیه نهادهای دموکراتیک  
 جا معاً آغاز نموده است تا ویرانه های  
 دیکتاتوری فاشیستی گذشته را به  
 شکل دیگر با سازی نماید .  
 به منظور مقابله با این توطئه های  
 ارتجاع ضرورت با این عمل تمامی  
 توده های خلق و تمامی نیروهای  
 انقلابی بیتر از بیتر محسوس تر  
 میگردند . تقاضای افکنان و ویران  
 و بسا به آمان و طبقه نارند مواضع  
 از دست رفته امپریالیسم آمریکا را  
 مجدداً در اختیار آورند و ایران را  
 دوباره به گورستان مورد خواست این  
 امپریالیسم بدل سازند . برای رژیم  
 فاشیستی این توطئه میباید مجدداً  
 کوشید .

### ملکین در دوران فزویین گشتاری شد

در هفته آخر اردیبهشت ماه بدینال زده خوردی بین تعدادی از اهالی "ضیا آباد" و "فارسجین" از توابع فزویین مجیدین تن اروستا - تیان که اکثر از اهالی "ضیا آباد" بوده اند کشته می شوند. مالکین که از پشتیبانی کمیته امام در فزویین برخوردار هستند سبب کشتار دهقانان می باشند. اربابان به با حفر یک چاه عمیق در روستای "ضیا آباد" تأمین آب روستا را مدت است که در اختیار خود در آورده اند. آنها از طریق فروش آب به دهقانان از یک سو به غارت دسترنج کشاورزان پرداخته و از سوی دیگر آنان را تحت فشار قرار میداده اند. پس از سرنگونی دربار پهلوی دهقانان این روستا به امید اینکه از بند زور و فشار و غارتگری اربابان رها می یابند اقدام به حفر یک چاه عمیق میکنند. ارباب به بنام لشکری با جمع آوری و استخدام تعدادی جناب بست و با حمایت کمیته امام در فزویین مانع این اقدام روستائیان میگردند تا بتوانند کماکان آب را در انحصار خود داشته باشد. سپس از صدفن از دهقانان در نیمه دوم اردیبهشت بمنظور اعتراض به این عمل بعهدت چند روز به تصدیق مقابل فرمانده فزویین می بردا زند و خواستار رسیدگی از جانب مقامات مسئول شهری میشوند. در همین فاصله اربابان ده به تحریک دهقانان روستای همجوار (فارسجین) می بردا زند و به آنان چنین می نماید یا ننشده گویا زمینسی که در آن روستائیان ضیا آباد" اقدام به حفر چاه عمیق نموده اند در محدوده فارسجین می باشد. دهقانان "ضیا آباد" زمانیکه از تحصن چند روزه دربرابر فرمانداری فزوویین نتیجه ای نمی گیرند هر هیئت روستای خود میگردند. در ایسن هنگام چماقداران مالکین به روستائیان حمله ور میگردند و در حالیکه دهقانان روستای همجوار را تحریک نموده اند زده خوردی بین اهالی دوروستا برای می نندازند. در اثر این عمل جنايتکارانه اربابان ده ۹۰ تن کشته و تعدادی زخمی می شوند.

این چنین اقدامات جنايتکارانه تقریباً هر هفته در نقاط مختلف کشور از جانب مالکین انجام می پذیرد. یکروز در کرمان، روز دیگر در گنبد، روزی دیگر در تنگه اراک و سایر نقاط مالکین قدیم و جدید به غارت می بردا زند و دارو دسته های چماقدار بسرا انداخته و دهقانان را زیر فشار قرار داده غارت نموده، آنان را آواره کرده و کشتار بر راه می نندازد. ما موران "کمیته ها" نیز در حمایت

### کارگران نواسا آ-ا-گ در تحصن

کارگران شرکت نواسا آ-ا-گ در تحصن بسر میبرند. علت اعتصاب اعتراض به اقدام میسرمانه و ضد کارگری کار- فرما مبنی بر اخراج ۳۴ تن از کار-گران می باشد. کار فرما فردی بنام محمدرحمنی است که صاحب پنج شرکت به نام های چار دیواری، نواسا دوریر، یا بند و نوا می باشد که این شرکت ها را یکی پس از دیگری در مدت هفت سال از طریق غارت دسترنج کارگران تأسیس نموده است. این سرمایه دار اکنون به سبب نه نداشتن پول اقدام

### کارگران ایوان قوه مینال بندر خرمشهر در اعتصاب

کارکنان ایوان قوه مینال بندر خرمشهر از تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۵۸ دست به اعتصاب زده و بر سر کار نمیروند. خواست های محققان در حلقه اول عبارتست از: رسمیت دادن و دوم تصفیه شرکت از عناصر متعصب و وابسته به رژیم. از همان اولین روزهای اعتصاب عده ای عناصر معلوم الحال و سرسیردشا و اک کوشیدند که در صف متحدکارکنان نفوذ نموده و آنان را از دور بر سرندیکانی که خود آنان تشکیل داده بودند، پراکنده کنند. بدین خاطر به نوشتن اعلامیه ای جعلی از طرف عده ای از باصلاح کارکنان ساختگی دست زدند و آنرا در سطح شهر پخش کردند. هشتمیاری کارکنان اعتصابی به آن گردیدند که این عناصر شناختی کردند. بطوریکه در جلسه عمومی کارکنان شرکت در تاریخ ۲۳/۲/۵۸ آنان به عمل خود اعتراض

### تحصن کارگران گروه صنعتی بهشهر

بین از ششصد تن از کارگران شرکت اکام و شرکت زمینه وابسته به گروه صنعتی بهشهر چند روزیست که در دفتر گروه صنعتی واقع در خیابان قوه نی در تهران دست به تحصن زده اند. این کارگران به نمایندگی از جانب بخش از پنج هزار کارگر گروه صنعتی بهشهر در این محل تحصن نموده اند. صاحبان اصلی این شرکتها اجوری و خدام میباشند. کارگران تحصن از شهرهای مختلف از جمله

### اعتصاب کارکنان شهرداری رودبار

رودبار از تاریخ ۲۹ اردیبهشت دست به اعتصاب زده اند. علت اعتصاب خواست افزایش حقوق و اعتراض به بی توجهی مقامات مسئول شهرداری در تهیه لیست کمبود پرسنل می باشد. از حدود یک ماه قبل قرار گردیده بود که کمبود پرسنل شهرداری رودبار به وزارت کشور اطلاع داده شود. با این بار هم که باید اعلام می کنیم می خواهیم سیستم سوسیده استعمارگرانه و وابسته به امپریالیسم را خراب کنیم و بر ویرانه های آن ایران آزاده مستقل و شکوفان انقلابیون میهن ما را با یکی از این قدرتمندترین سیستمها که برای هزار سال